



دکتر سعید ارباب شیرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

درگذشت به سال: ۱۳۸۹

دکتر سعید ارباب شیرانی به سال ۱۳۱۶ش در اصفهان دیده به جهان گشود، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش سپری کرد و پس از آن در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران پذیرفته شدند. ایشان پس از دریافت مدرک کارشناسی از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۰ش برای ادامه تحصیل رهسپار آمریکا شد و ضمن تدریس فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستون، از دانشگاه راتگرز (بزرگترین مؤسسه آموزش عالی ایالت نیوجرسی) درجه‌ی فوق لیسانس ادبیات انگلیسی و از دانشگاه پرینستون یکی از چهار دانشگاه قدیمی ایالات متحده آمریکا، درجه‌ی فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی را اخذ نمودند. وی در سال ۱۳۸۹ش. و بعد از چندین سال تحمل بیماری سرطان و درد و رنج ناشی از شیمی

درمانی در کشور آمریکا دار فانی را وداع گفت. پیکر این استاد و مترجم نامدار حوزه‌ی نقد و متون ادبی در همان کشور، تشییع و به خاک سپرده شد (روحشان شاد و یادشان گرامی باد).

دکتر ارباب‌شیرانی فعالیت علمی و دانشگاهی خود را پس از بازگشت از آمریکا، به سال ۱۳۴۹ در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز آغاز کرد. ایشان در کنار تدریس دروس نقد ادبی و ادبیات تطبیقی، در توسعه کتابخانه آن از نظر کمی و کیفی و همچنین دعوت از اساتید برجسته برای تدریس در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نقشی اساسی داشت. استاد شیفته آموزش و تدریس بودند و در این میان، تدریس نقد ادبی را بسیار جدی می‌گرفت و همین اهتمام و دلبستگی خاص به امر آموزش از وی چهره‌ای بسیار جدی و پرتلاش و در عین حال فروتن در اذهان شاگردانش به یادگار گذاشته است. در این زمینه یکی از شاگردان قدیمی‌اش می‌گوید: «دکتر ارباب‌شیرانی به موقع و آراسته می‌آمد، از متون معتبر و به زبان اصلی تدریس می‌کرد، از ما انتظار داشت که وظیفه دانشجویی خود را به دقت بجا بیاوریم و به هیچ عنوان کوتاه نمی‌آمد، بر درس کاملاً مسلط بود، سر کلاس حرف متفرقه نمی‌زد، تا دقیقه آخر در کلاس می‌ماند و کار خود را انجام می‌داد، ساعاتی را برای رفع اشکال در دفترش تعیین می‌کرد، کلاس را بی‌جهت تعطیل نمی‌کرد و به کسی بی‌جهت نمره نمی‌داد. هیچ‌وقت هم از کلاسها و دانشجویانش کم نمی‌گذاشت. غیر از کلاس درس خودش، احساس می‌کردی اگر یک روز دوشنبه‌ای بیدار شوی و ببینی همه روی دست‌هایشان راه می‌روند یا موجوداتی از کرات دیگر تهران را تسخیر کرده‌اند، باز هم می‌توانی مطمئن باشی که دکتر ارباب‌شیرانی لیوان دسته‌دار آب و پوشه فربه یادداشت‌ها به دست راهی کلاس خواهد شد و نگرانی‌ات واقعا باید از این باشد که در ترافیک ویژه آن روزها چطور خودت را به موقع به کلاس برسانی تا شرمنده استاد نشوی».

با آغاز جنگ تحمیلی، استاد به ناچار اهواز را به مقصد تهران ترک کرده و در آنجا در دانشنامه جهان اسلام و مرکز نشر دانشگاهی همکاری نمود. همکاری ایشان با دانشگاه جندی‌شاپور تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت. وی پس از آن، به تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داد و هم‌زمان به ترجمه و تألیف برخی آثار مهم در زمینه نقد ادبی روی آورد و در ادامه نیز توانست جایزه‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را در سال ۱۳۷۵ به خاطر ترجمه‌ی کتاب «تاریخ نقد جدید» از آن خود کند.

دکتر ارباب‌شیرانی در کنار نوشتن و چاپ مقالات متعدد، آثار ارزشمندی را تألیف و یا ترجمه کرده است که بدون شک یکی از شاخص‌ترین و ماندگارترین آنها کتاب "تاریخ نقد جدید" تألیف رنه ولک در زمینه تحلیل و بررسی تاریخ نقد در غرب است که حدود ۱۹ سال به طول انجامید و در نهایت این کار سترگ و ارزشمند در واپسین ماه‌های عمر پربار استاد، در ۸ جلد و حدود پنج هزار صفحه به پایان رسید و از سوی انتشارات نیلوفر منتشر و در اختیار دانش‌پژوهان و ادب‌دوستان قرار گرفت. "ابوالحسن نجفی" زبان‌شناس و مترجم برجسته و عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، درباره ایشان و کار بزرگی که انجام داده‌اند، می‌گوید: «آقای ارباب‌شیرانی بسیار با استعداد بود و شور و شوق و پشتکاری نشان داد که حیرت‌آور بود. کوشش‌های بسیاری کرد، برای این‌که برای اصطلاحات یا ترم‌های ادبی، معادل‌هایی بیابد. هر کتابی که در فارسی ترجمه شده بود را تهیه می‌کرد و می‌خواند، تا این اصطلاحات را در آنها جستجو کند. سرانجام او ظرف مدت ۱۹ سال، در ۴۸۵۲ صفحه، به قطع بزرگ وزیری فارسی، کاری را به اتمام رساند که من هیچ فکر نمی‌کردم سرانجامی داشته باشد».

از دیگر آثار تألیفی و ترجمه‌های ارزشمند استاد می‌توان به کتابهای زیر اشاره کرد.

- اشکال یک اسطوره (گونه‌گونی شخصیت ادبی حضرت یوسف)
- تاریخچه نقد در ادبیات قدیم عرب
- تخیل فرهیخته
- مضمون‌سازی در شعر سبک هندی و شعر متافیزیکی انگلیس
- همسایه نزدیک‌تر از خویش افغانستان از ویژگی‌های طبیعی تا خصوصیات انسانی

روحش شاد و یادش گرامی باد.